

## نگاهی به تاریخ سیاسی و اجتماعی جهان در زمان پیامبر (ص)

سلماز قلی‌زاده\*

### اشاره

حضرت محمد (ص) بنا به روایت مورخان<sup>۱</sup> نخستین در سال عام الفیل به دنیا آمدند. عام الفیل در سنت سالشماری عربی<sup>۲</sup> معادل ۵۷۰ م<sup>۳</sup> می‌باشد. وقول مشهور این است که آن حضرت با طی مراحل کودکی جوانی وبعد از اینکه به پیامبری برگزیده شدند تا تاسیس حکومت در مدینه و پان رسالت در مدینه ۴۴ سال زندگی کردند.

بدین ترتیب در این کار سعی شده تا حوادث سیاسی و اجتماعی جهان بین سالهای ۵۷۰ م تا سال ۶۳۳ م (سال وفات پیامبر) مورد بررسی قرار بگیرد. این دوره که معادل اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی می‌باشد از نظر سیاسی در جهان آن روز عصر امپراطوری‌ها می‌باشد. استثناء اینکه در اروپا امپراطوری روم غربی به خاطر تضاد طبقاتی و فشار بر طبقه دهقان و رعیت و رقابت‌های مذهبی بین مسیحیان و بت پرستان دچار ضعف شده بود و در اثر هجوم اقوام ژرمنی و شمال اروپا در سال ۴۷۶ م<sup>۴</sup> به کلی موجودیت خود را از دست داد و در این زمان حدود یک قرن از دوره‌ی تاریخی قرون وسطی<sup>۵</sup> در اروپا می‌گذشت. از مشخصه‌های بارز این عصر نظام فئودالی و اقتدار بی‌حد و حصر کلیسا می‌باشد.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد ایران باستان - دانشگاه شهید بهشتی تهران

۱. یعقوبی و ابوالحسن مسعودی ژ مورخان مسلمان هستند که ولادت حضرت محمد (ص) را در سال عام الفیل ذکر کرده‌اند.
۲. طبری در تاریخ طبری و ابن عبری در مختصر النول به ترتیب می‌گویند: پیامبر (ص) در دو سال آخر پادشاهی انوشیروان یا در سال آخر پادشا می‌آوبه دنیا آمده است. و ابن عبری نیز تاریخ ولادت آن حضرت را در سال هشتصد و نود و دو اسکندری می‌داند. در توضیح می‌شود گفت اگر قول طبری را ملاک قرار دهیم، چون خسرو انوشیروان از سال ۵۳۱ تا ۵۷۹ م حکومت کرده است باید تولد پیامبر بین سالهای ۵۷۶ تا ۵۷۹ م باشد. و در قول دوم چون مبدأ سالشماری اسکندری ۳۱۲ م (آغاز حکومت سلوکیان) می‌باشد با کسر این عدد از ۸۹۲ سال ۵۸۱ م به دست می‌آید.
۳. اودواکر یکی از سرداران ژرمن "آخرین امپراطوری روم به نام رومولوس آگوستوس را در سال ۴۷۶ م خلع کرد.
۴. در دوره بندی تاریخ اروپا "قرون وسطی که به عصر تاریک معروف است با فروپاشی روم غربی در سال ۴۷۶ م شروع می‌شود و تا تسخیر بیزانس (روم شرقی) در سال ۱۴۵۲ م توسط سلطان محمد دوم عثمانی ادامه دارد.

صرف نظر از اوضاع اروپا کانون های مطرح سیاسی و اجتماعی در جهان آن روز عبارت از ایران شرقی هند و چین می باشد که به تحولات هر کدام از اینها در این محدوده زمانی خاص به اختصار خواهیم پرداخت.

### ایران

ایران در این برهه از تاریخ علاوه بر کشور امروزی شامل قفقازبخش اعظم ارمنستان آن روز و قسمت اعظم بین النهرین(عراق) بخشی از آسیای مرکزی و افغانستان می شد. حتی ایرانی ها در سال ۵۷۵ م یمن را از دست حبشی ها بیرون آورده بودند. بر چنین امپراطوری پهناور با بافت متنوع جمعیت از نظر قومی و فرهنگی دودمان ساسانی با تکیه بر قدرت شمشیر و دین زردشتی حکومت می کرد.

نوع حکومت به خودی خود باعث نفوذ روحانیت زردشتی در دستگاه سیاسی می شد. تا آن اندازه که در شورای سلطنتی رای موبد موبدان بر وزیر اعظم (وزرگ فرمتار) و اسپهبد بزرگ برتری داشت. و این قاعده زمانی که نظام حکومتی با بحران جانشینی مواجه بود، دخالت بزرگان و در نتیجه توطئه ها را افزایش می داد.

از طرفی اقتصاد جامعه بر کشاورزی و دامپروری متکی بود و تعالیم اوستا نیز این نوع معاش را تشویق می کرد. تا آن اندازه که بیشتر حرفه ها مثل صنعت پیشه وری و تجارت که باعث رونق شهرها و به دنبال آن نوآوری می شد. در اختیار اقلیتهای مسیحی و یهودی و غیره بود. اکثریت مردم زردشتی به خاطر عقاید مذهبی شان به آنها نمی پرداختند.

افکار دینی و شیوه سیاست گذاری جامعه را به سوی نوعی نظام بزرگ مالکی سوق می داد. این بزرگ مالکان یا افراد خانواده های ممتاز که به طور دودمانی صاحب املاک فراوان بودند یا نظامیان رده بالا در ارتش ساسانی که از طرف حکومت صاحب تیول و زمین شده بودند. خود اینها در شهرها زندگی می کردند و همواره توده ای از مردم و رعایا در ازاء گرفتن مزد یا محصول ناچیز برای اینها کار می کردند

۱. نمونه بارز اینگونه بحران سیاسی بعد از مرگ هرمز دوم در سال ۳۰۹ م اتفاق افتاد. چون شاپور دوم

این مردم حتی در حقوق اجتماعی آن روز سهم بسیار ناچیزی داشتند و در جنگها جزء پیاده نظام محسوب می شدند و کارهای سطح پایین را انجام می دادند. جنبش اجتماعی و اقتصادی مزدک که واکنشی در برابر این سیستم سیاسی و اجتماعی بود به مرور زمان به افراط کشیده شد. تا اینکه خسرو اول انوشیروان قسمت اعظم این جنبش را سرکوب کرد اصلاحات اجتماعی و قانونی و اقتصادی انوشیروان هر چند باعث ثبات کوتاه مدت در زمان او شد ولی با مرگ او جامعه از اصول خود خارج شد. طوری که اوضاع سیاسی بعد از او نشانگر این بی ثباتی است زیرا از زمان مرگ او تا به قدرت رسیدن یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی سیزده تن در این مدت کوتاه به قدرت رسیدند. که در میان آنها دوزن<sup>۱</sup> (۱) دیده می شود که این مساله با این ایرانشهری سازگاری ندارد.

از طرفی جنگ های انوشیروان با ژوستی نین و خسرو پرویز با هراکلیوس امپراتوران روم شرقی کشور را از نظر اقتصادی به فلاکت کشانده بود. و هجوم اقوام شرقی نیز به فلات ایران که در طول تاریخ ایران باستان مساله ساز بوده است، در این دوره شدت پیدا کرد و ترکان اوار از قفقاز خطر آفرینی می کردند.

### روم شرقی

امپراطوری روم شرقی که با تاسیس قسطنطنیه توسط کنستانتین در سال ۳۳۵ م و تقسیم امپراطوری روم توسط تئودوزیوس اول بین فرزندانش ارکادیوس و هونوریوس در سال ۳۹۵ م شکل گرفته بود. در محدوده زمانی مورد بحث شامل آسیای صغیر، ماوراء فرات، مصر، شمال آفریقا و بخش هایی از بالکان می شد که هر کدام از این سرزمین ها به نوبه خود محل ظهور نخستین تمدن ها و نهادهای سیاسی بودند. حتی در زمان ژوستی نین (۵۲۷ تا ۵۶۵ م) ایتالیا، کرس، ساردنی، بالستار و قسمتی از سواحل شرقی اسپانیا تصرف شد. در آن عهد به قول منتسکیو رومیان با تمام ملل خصومت داشتند. رقابت های ایران و روم و هجوم اقوام شمالی و آسیایی مانند اوارها به قلمرو روم شرقی این مساله را ثابت می کند. مثلاً هرگاه سربازان رومی با ایرانی ها در حال نبرد

۱. بوران دخت و اذر میدخت "دختران خسرو پرویز

بودند از جانب غرب نیز مورد حمله اقوام اوار بودند و گاهی مجبور می شدند برای مقابله و عقب راندن او راها به ایرانی ها باج بپردازند.

اکثر امتیازها در دست یک عده معدود بود که در تولید هیچ نقشی نداشتند. در مسیحیت نیز شکاف ایجاد شده بود حتی اسقف قسطنطنیه با پاپ اختلاف پیدا می کرد و افرادی نظیر اریوس، نستریوس و اوتیکس به ترتیب منکر الوهیت وحدانیت و قاعده دو طبیعتی مسیح شده بودند. و فرقه مونوفیزیستی در ایالت های مهم امپراطوری نظیر سوریه و مصر به شدت گسترش یافته بود. رقابت بین دسته های سبز و ابی که از زمان زوستی نین شروع شده بود. همچنان ادامه داشت و بیشتر در جاهای عمومی و مسابقات بروز پیدا می کرد.

بعد از مرگ زوستی نین تا به قدرت رسیدن هرآکلیوس (۱۰ تا ۴۱ م) به ترتیب زوستن دوم، تیر موریس و فوکاس به قدرت رسیدند. این می تواند به یک بحران سیاسی دلالت داشته باشد زیرا برای احراز مقام امپراطوری هیچ قاعده ای وجود نداشت و از هر قشری اعم از روحانی نظامی دهقان و غیره ادعای حکومت داشتند.

نحوه به قدرت رسیدن فوکاس این مساله را ثابت می کند. زمانی که موریس در اثر اعتراضات و شورش های مردمی و اعتراض نظامیان به خاطر کمی حقوق فراری شد. فوکاس که یک افسر جز بود به امپراطوری رسید. او موریس را به قتل رساند. می گویند: خود فوکاس بسیار ظالم بود و به اداره مملکت اهمیت نمی داد. تا اینکه هرقل پسر حاکم آفریقا در سال ۶۱۰ م امپراطور شد. بعضی مانند شارل ایل معتقدند تاریخ بیزانس در قرن هفتم میلادی از تاریک ترین ادوار به شمار می رود. طوری که ایرانی ها دمشق و بیت المقدس را غارت کردند و صلیب مقدس را به تیسفون بردند. این حادثه به هرقل و سرتوریوس اسقف فرصت داد تا مردم روم را تحریک کنند و سپاهی گرد آورده و ایرانی ها را عقب نشانند.

حتی او راها در سال ۶۲۶ م قسطنطنیه را محاصره کردند ولی به خاطر برج و باروی شهر کاری از پیش نبردند ولی حملات آنها خسارت های زیادی به دنبال داشت. ایجاد خرابی و به دنبال آن گسترش فقر و فساد باعث گسترش صومعه نشینی و رهبانیت شده بود طوری که روهبانان در کلیه امور مربوط به جنگ و صلح امور سیاسی دخالت می کردند. و در شورای دولتی نماینده داشتند. با بد

تر شدن اوضاع هر اتفاق بد را به حساب عدم لیاقت دولت می گذاشتند. این اوضاع روم شرقی بود در زمان حکومت هراکلیوس و مشهور است که پیامبر اسلام (ص) با او مکاتبه داشته است.

#### هند

تاریخ سیاسی و اجتماعی هند که با تمدن دره سند و آمدن آریاها به این مملکت شروع می شود. در طول تاریخ خود خیلی کم یکپارچگی سیاسی و اجتماعی به خود دیده است و این به مسائل جغرافیایی ژئوپولیتیکی و ترکیب قومی و فرهنگی این سرزمین بر می گردد. گذشته از پادشاهی هندوکشی که توسط اشوکا در قرن سوم ق. م تاسیس شد.

در دوره مورد بحث ما شاهد تجزیه و فروپاشی سیاسی در هند هستیم و بیشتر واحدهای کوچک سیاسی در این کشور وجود دارد. بودا<sup>۱</sup> که این خود را به امید کوشش برای رهایی طبقاتی علیه سیستم کاستی برهن های هندو آورده بود موفقیت چندانی به دست نیاورد و این دین در طول تاریخ خود وارد مبارزه و امساک شده بود.

برهن ها که علمای دین بودند در رأس جامعه قرار داشتند و بعد طبقه کشاتریا از امرای نظامی تشکیل می شد که بین این طبقه و برهن ها در طول تاریخ هند کشمکش زیاد بر سر قدرت وجود داشته است. در مراتب پایین تر ویسیا یا همان توده مردم قرار داشتند که به کارهای معمولی و کشاورزی می پرداختند. در پایین ترین سطح سودرا قرار داشت که غیر اریان های مطیع غلامان و صاحبان حرف را شامل می شد.

در این بودائی نیز از سده دوم پیش از میلاد اختلاف ایجاد شده بود و تا این زمان نیز ادامه داشت و به دو گروه هینه یانه (گردونه کوچک) و ماها یانه (گردونه بزرگ) تقسیم شده بود. گروه اول به اعتقادات اصیل بودائی پایبند و دسته دیگر اعتقادات بودائی را با عقاید دیگر در آمیختند.

۱- در فلسفه هند نام دیالکتیک "کشاتری کاودا" است و این اندیشه در تعالیم فلسفی "سارواس تیودای" فیلسوف هندی در عهد قدیم یافت می شود و طرفداران او معتقد بودند که تکامل زاده تضاد است و از طریق رابطه و تاثیر موقت تضادها انجام می گیرد.

۲- نام واقعی بودا فیلسوف و معلم مقدس هندی - سیدارتا گاوتاما بوده است که بین سالهای ۵۶۰ تا ۴۸۰ ق. م زیسته است و بعد ها به بودا یعنی صاحب عرفان و شهود معروف شد

در هند ان زمان سابقه اندیشه های دیالکتیکی<sup>۱</sup> و عقایدی که با ایده الیسم والهیات مخالف بود نیز وجود داشت که هواداران ان به واقعیت جهان موجود اعتقاد نداشتند و درک خواص انسانها را تنها منبع شناخت و تنها وسیله اثبات واقعیت جهان می دانستند و بدین روح تناسخ و زندگی در ان دنیا را انکار می کردند مراسم مذهبی و قربانی ها را مسخره می کردند متناسب با این شکاف های اجتماعی و اعتقادی دستگامهای پراکنده سیاسی نیز در ان سرزمین وجود داشت که از میان انها می توان به پادشاهی پاندین<sup>۲</sup> هارش<sup>۳</sup> چالوکیا<sup>۴</sup> اشاره کرد.

### چین

تمدن چین که برای اولین بار در حوزه ی رود هوانگ هو شکل گرفت. در اواخر هزاره سوم قبل از میلاد وارد حیات تاریخی خود شد و زمان مورد بحث ما مساوی است با دوران سلسله های گوناگون<sup>۵</sup> در تاریخ چین که بر طبق طبقه بندی مورخان دوران سلسله های گوناگون در چین از ۲۲۱ ق.م شروع می شود و تا (۱۹۱۱ م)<sup>۶</sup> ادامه دارد.

کشور چین از درگیری داخلی و هجوم اقوام بیابانگرد رنج می برد و خاندان های محلی قدرت گرفته بودند تا آنجا که جوامع اشتراکی چین باستان را نیز در انحصار خود گرفتند. همه اینها باعث هرج و مرج و فشار بر توده مردم و در نتیجه بی امنیتی می شد.

فلسفه در چین قدیم بیشتر اجتماع پسند و زمینی بود تا اسمانی و ماوراء طبیعی و در واقع چین مهد ظهور اندیشه های واقع گرا که در راس ان کنفوسیوس<sup>۷</sup> و طبیعی گرا که در راس ان لائوتسو<sup>۸</sup> قرار دارد می باشد

۱- از دولت های قدیمی هند در جنوب ان کشور که از سال ۵۶۰ تا ۱۲۶۵ م حکومت کرده است

۲- یک امپراطور بودایی که از سال ۶۰۶ م تا ۶۴۰ م در شمال هند حکومت کرد

۳- از سلسله های هندی که بر قسمت بزرگی از هند مرکزی و جنوبی از سال ۵۴۲ م تا ۱۲۰۰ م حکومت کرد

۴- تاریخ چین را معمولاً به شش دوره تقسیم می کنند: ۱. دوره اساطیری ۲۸۵۲ ق.م تا ۲۲۰۵ م

۵- دوره شاهان تاریخی ۲۲۰۵ ق.م تا ۱۱۲۲ ق.م ۳. دوره باستان ۱۲۲۱ ق.م تا ۲۲۱ ق.م

۶- دوره سلسله های گوناگون ۲۲۱ ق.م تا ۱۹۱۱ م ۷. دوره جمهوری ۱۹۱۱ تا ۱۹۴۹ م

۷- دوران حکومت کمونیستی از ۱۹۴۹ م به این سو

۸- سال تاسیس جمهوری در چین

۳. بنیانگذار مکتب ایده ایسم در چین (قرن ششم قبل از میلاد)

۴. معاصر و آموزگار کنفوسیوس بنیانگذار مکتب طبیعت گرا

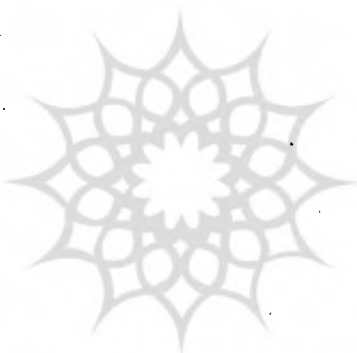
ولی به مرور زمان بودیسم نیز به اجرا رفته بود. اما نفوذ چندانی نداشت. عقاید کنفوسیوس نیز از درون خود دچار انشعاب شده بود شینتو و تالویی از آن سربرآورده بود. با این تشتت آراء در سال ۵۸۹م قسمت اعظم خاک چین بوسیله سلسله کوتاه مدت سو متحد شد. این دودمان زیاد دوام نیاورد چون خواسته هایی برای اداره حکومت بر مردم تحمیل کرد. از قبیل کار اجباری "مالیات سنگین به خاطر تکمیل کانال بزرگ بازسازی دیوار چین و این مساله اخیر می رساند که در آن موقع تهدید اقوام بیابانگرد شمالی وجود داشته است که دولت چین دست به چنین اقدامی زده است. این سلسله به اردو کشی نظامی بر علیه کره دست زد که هزینه زیادی به بار آورد و سرانجام در اوایل قرن هفتم میلادی به خاطر شورش های عمومی "خیانت و قتل دچار تجزیه و فروپاشی شد. بعد از این سلسله تانگ در چین روی کار آمد که به خاطر نقشی که در تمدن چین و گسترش قلمرو دارد مورد اهمیت می باشد و تا سال ۹۰۷م حکومت کرد

### نتیجه

با وجود اینکه حضرت محمد (ص) در جزیره العرب ظهور کرد. و سرزمینی که پیامبر از آنجا برخاست دارای تضاد طبقاتی "حاکمیت اشراف قبیله ای و انحراف در پرستش بود، اما مسائل جوامع دیگر دنیای آن روز نشان می دهد که شرایط اجتماعی حاکم بر آن آماده پذیرش دین و اندیشه جدید بوده و برابری و پرستش خدای واحد را مطرح می کرده است و آن آیین جدید اسلام بود

## کتابنامه

- ۱- غریغوریوس ابوالفرج اهرن (ابن عبری): *مختصر الدول*، دکتر تاج پور، حشمت الله ریاضی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش
- ۲- منتسکیو: *علل عظمت و انحطاط رومیان*، علی اکبر مهتدی، تهران، ۱۳۳۵ ه.ش
- ۳- عبدالرحمن عالم، *اندیشه سیاسی چین باستان*، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۷ ه.ش
- ۴- ممتحن، حسینعلی: *تکلیات تاریخ عمومی*، جلد ۱-، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، - تهران، ۱۳۷۰ ه.ش



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی